



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زندگی در لحظه

نویسنده:
رجبعلی باقری

انتشارات ارسطو
(چاپ و نشر ایران)
۱۳۹۶



سرشناسه: باقری، رجبعلی، ۱۳۴۹ -
عنوان و نام پدیدآور: زندگی در لحظه / نویسنده رجبعلی باقری.
مشخصات نشر: مشهد: ارسطو، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۹۶ ص.
شابک: ۰-۱۹۹-۴۳۲-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: راه و رسم زندگی
Conduct of life: موضوع
موضوع: راه و رسم زندگی -- جنبه‌های روانشناسی
Conduct of life -- Psychological aspects: موضوع
موضوع: موفقیت
Success: موضوع
موضوع: موفقیت -- جنبه‌های روان‌شناسی
Success -- Psychological aspects: موضوع
رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ب۲ / ر۲ / BF۶۳۷
رده بندی دیویی: ۱۵۸/۱
شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۸۰۵۳۷

نام کتاب: زندگی در لحظه
نویسنده: رجبعلی باقری
ناشر: ارسطو (با همکاری سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)
صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶
چاپ: مدیران
قیمت: ۷۰۰۰ تومان
شابک: ۰-۱۹۹-۴۳۲-۶۰۰-۹۷۸
تلفن‌های مرکز پخش: ۳۵۰۹۶۱۴۵ - ۳۵۰۹۶۱۴۶ - ۰۵۱
www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران



تقدیم به :

همه‌ی کسانی که با آسایش دیگران در آسایش اند
و آرامش خویش را در خدمت به هموطنان می‌دانند.





پیشگفتار مولف

در این که گذشته‌ی ما بخشی از ما و زندگانی ماست حرفی نیست.
به هر حال خوب یا بد آثاری از ما برجای مانده است.
اما واقعیت این است که هویت ما را گذشته‌ی ما تشکیل نمی‌دهد.
هویت ما افکاری است که به آنها اجازه نمی‌دهیم در ذهن ما زندگی کنند.
گذشته‌ها گذشته!

دیگر هیچ کس تلاش نمی‌کند کفش‌های کودکی‌اش را بپوشد
بی فایده است و برای پاهایش جفت و جور نیست.

وقتی باین درک زندگی می‌کنیم که هرروز صفحه‌ای از کتاب زندگانی
ماست آنچه برایمان پراهمیت ظاهر می‌شود همین صفحه‌ای است که در
مقابل ماست.

بدیهی است افسوس گذشته و نگرانی برای آینده، صفحه‌ی امروز را شاد
نمی‌کند بلکه آنچه شادی بخش است تمرکز بر زندگی در لحظه است.

البته در این نوشتار، مقصود نادیده گرفتن محض گذشته نیست بلکه
براین باورم به جای کاش و افسوس خوردن، از اشتباهات به عنوان بهترین
معلم و استاد درس بگیریم.





خوب که تامل کنیم قوانین ننوشته‌ی کتاب‌ها را کشف می‌کنیم.
تمرکز زندگی در لحظه، نگرانی‌ها و ترس‌ها را از ما می‌گیرد و نیرویی به
ما می‌دهد که ارزشی برای مادیات قائل نمی‌شویم.
ماه‌میشه از زندگی در اجتماع لذت می‌بریم. در دایره‌المعارف کسانی که
بر زندگی در لحظه تمرکز دارند تنفر و کینه ورزی جایی ندارد.
اگر می‌خواهید در برابر بیماری‌هایی که از حرص و ولع ناشی می‌شوند
واکسینه شوید زندگی در لحظه را از پیش بگیرید.

رجبعلی باقری





فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	مفهوم زندگی
۱۳	انسان و حرص
۲۲	آرامش حلقه‌ی مفقودشده‌ی آدمی
۲۴	وسواس فکری، خوره‌ی مغز شما
۳۱	آشفتگی انسان برای آینده
۳۴	چرا این همه عجله و شتابزدگی؟!
۳۷	انسان و رویا
۴۲	انسان و روابط
۴۷	انسان و اشتباهات
۶۱	انسان خود کتاب است
۶۳	انسان و محبت
۷۱	زندگی تلگرامی
۷۴	قدر داشته‌های خودمان را بدانیم
۷۶	غفلت از دیدار خود
۷۸	آرامش ما در گرو بخشیدن دیگران
۸۹	امروز هدیه است
۹۱	متجلی اراده‌ی خدا باشیم
۹۴	کلام آخر: روزهای خوب آمده‌اند!





مفهوم زندگی

زندگی هدیه‌ی گرانبهایی است که به هر موجودی ارزانی شده است. چه برسد به ما که اشرف مخلوقاتیم و همین عمل نوشتن خود بیان حقیقت است که ما را از سایر موجودات متمایز می‌سازد.

چشم‌انمان را باز کنیم و ببینیم آنچه را باید! و ببندیم بر آنچه بی‌ارزش است و سبب سقوط ما می‌شود.

زندگی برای هر کس معنای خاصی دارد. این مسئله به نحوه نگرش و افکار هر انسان، ارتباط مستقیم دارد. یعنی هر انسانی زندگی را به گونه‌ای می‌بیند که در مورد آن فکر می‌کند. هرچند نکته‌ای در این میان وجود دارد و آن این است که خلقت انسان به گونه‌ای است که کمال طلبی و هدفدار زندگی کردن، در ذات اوست. اما این خصلت ذاتی هم ممکن است به دلایل متعددی در نهاد برخی از افراد نهفته بماند و به فراموشی سپرده شود. به طور کلی این مطلب برای اغلب افراد صادق است که بیهودگی و بی‌هدفی در زندگی، آنها را راضی نمی‌کند و مسلماً اگر زندگی معنایی برای انسان نداشته باشد، زنده بودن یک انسان ارزشی نخواهد داشت. هرچند که همه امکانات زندگی کردن فراهم باشد.





دلیل ایجاد حس نارضایتی در زندگی به خاطر نداشتن یا کمبود رفاه نیست. چه بسیار افرادی که در زندگی ساده و حتی سختی قرار دارند، اما از زندگی راضی هستند و از لذت‌های زندگی شان بهره می‌برند. آنچه مشخص است اینکه ناکامی در دریافت معنای واقعی زندگی است که موجب احساس ناامیدی و یاس در زندگی می‌شود.

می‌توان اینطور بیان کرد که زندگی دارای دو بعد است. یک بعد به معنای مادی و بعد دیگر معنوی است. آنچه مهم است اینکه هر انسانی کامیابی خود را بیشتر در کدام بعد ببیند. مسلماً چیزهای مادی جزئی از زندگی هستند که فناپذیر و نابود شدنی هستند ولی مسائل معنوی، پایدار و فناناپذیرند. همان طور که روح انسان هم فناناپذیر است و با مرگ از بین نمی‌رود.

چه بسیار افرادی که به لحاظ مادی و رفاهی از بهترین امکانات برخوردار بوده و در نهایت دچار بحران هویت شده‌اند و گرفتار سرگستگی و ناامیدی. همچون پسری ۲۲ ساله که در بخشی از خاطرات خود اینطور بیان می‌کند:

" هرچند تمام کارهایی که جامعه برای خوشبخت شدن دیکته می‌کند، انجام داده بودم، اما هیچ دلیلی برای ادامه زندگی نمی‌یافتم. نمی‌دانستم چرا زنده‌ام و چرا زنده بودم می‌تواند مهم باشد. زندگی هیچ معنایی برایم نداشت. این بحران شک و پریشانی کم کم به تمامی جنبه‌های زندگی‌ام کشیده شد."

با خود فکر می‌کردم، آیا به راستی زندگی کاملاً نسبی است؟ آیا همه‌اش همین است؟ پنجاه-یا هشتاد سالی از این خوشی‌ها و ناخوشی‌های زودگذر استفاده کردن، کار کردن، خوابیدن، خوردن، لذت بردن از خوشی‌های





زمینی و همین. و بعد انگار نه انگار که روزی زنده بوده‌ای؟! اگر چنین است پس اصلا چرا باید زندگی کرد؟ چرا باید برای زندگی بی‌هدف تلاش کرد؟ چرا باید خوب بود؟ چرا باید به فکر سلامتی بود؟

هر چه بیشتر می‌گذشت همه چیز بیشتر غیرقابل تحمل می‌شد و مرا به این نتیجه می‌رساند که زندگی به راستی ارزش زیستن ندارد.

این عبارات نشان دهنده این هستند که بعد روحانی و معناگرایی زندگی تا چه میزان در ایجاد احساس نشاط و شادابی در زندگی تاثیرگذار است.

نویسنده‌ای به نام آلپورت می‌گوید: "امروزه در اروپا، روان شناسان و روان پزشکان، آشکارا از فروید (که ناکامی جنسی را علت ناراحتی‌های روانی می‌داند) روی برگردانده‌اند و به "هستی درمانی" روی آورده‌اند که مکتب "معنا درمانی" یکی از آنهاست. بحران معنا در زندگی امروز به یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های بشر تبدیل شده است. همین امر به اضافه احساس کمبود معنویات در زندگی موجب شده تا به سمت ایجاد مامنی در این زمینه‌ها باشند. به این ترتیب بسیاری از علوم بشری ساخته شده تا نیازهای روحی و معنوی را پاسخ دهد در حالی که این راهکارها هم اثر موقتی دارند. چرا که منشا الهی ندارند.

بحران بی‌معنایی در زندگی بسیاری از افراد وجود دارد و آنها را آزار می‌دهد. اینکه نمی‌دانند برای چه پا به این دنیا گذاشته‌اند و چه باید بکنند. برخی دیگر هم با بحرانی به نام ناتمام ماندن معنا مواجه می‌شوند. یعنی برخی از افراد برای زندگی معنایی را در نظر داشته‌اند ولی زمانی که به آن می‌رسند، آن را بی‌ارزش‌تر از آن می‌دانند که به خاطرش زندگی کنند. این





بدان معناست که مسائل موجود در ذهن این افراد نمی‌تواند توجیه کننده زندگی آنها باشد. به این ترتیب نمی‌توانند فلسفه مرگ و حیات را برای خود تعریف کنند و همین امر موجب افسردگی شان می‌شود.

آنچه مهم است دریافت این مطلب است که باور داشته باشیم که معنای زندگی باید با ارزش تر از خود زندگی باشد و آنچه قرار است فلسفه زندگی را توجیه کند باید فراتر و والاتر باشد. می‌توان گفت که معنای یک زندگی به یک معامله شباهت دارد که منفعت و سود، آنرا توجیه پذیر می‌سازد.

مسئله توجیهی وجود ندارد که کسی بخواهد در معامله‌ای زیانبار شرکت کند. هر کاری که می‌خواهد انجام شود باید فایده‌ای داشته باشد که در غیر این صورت، انجام آن بی‌معناست.

در مورد معنای زندگی هم همین بحث مطرح است. آنچه انسان به خاطر آن به دنیا می‌آید و از دنیا می‌رود، باید ارزشمندتر از زندگی باشد که در غیر این صورت انسان دچار خسران و ضرر شده است. آنچه مهم است حیات جاودان انسان است که به سرای آخرت مربوط می‌شود. هر چه در این دنیاست به خاطر انسان است و ابزاری برای اینکه به حیات واقعی خود برسد.





انسان و حرص

آزمندی در انسان جلوه‌های متفاوت و گوناگونی می‌یابد. هر کسی نسبت به چیزی یا کسی حرص و آز دارد و نسبت به چیزی دیگر گرایش کم‌تر یا اصولاً گرایشی ندارد، از این رو نسب به برخی چیزها اصولاً آزمندی نشان نمی‌دهد.

به نظر می‌رسد که آزمندی به سبب بازتاب‌ها و آثار و کارکردهای روحی و معنوی که در انسان به جا می‌گذارد و زندگی آدمی را از حالت عادی و سالم بیرون می‌راند، به عنوان یک رذیلت اخلاقی و ناپه‌نجاری رفتاری شناسایی و معرفی شده است؛ زیرا گرایش شدید و عاطفی بسیار افسارگسیخته‌ای که در آزمندی جلوه می‌کند، موجب می‌شود تا رفتارهای شخص از حالت عادی بیرون رفته و موجبات اذیت و آزار برای خود و دیگران را فراهم آورد.

خداوند در آیات ۴۱ و ۴۲ سوره مائده به شماری از جلوه‌های آزمندی در رفتار برخی از آدمیان اشاره می‌کند و زشتی و بدی آن را تبیین می‌کند. خداوند در این آیات این معنا را مورد تأکید قرار می‌دهد که برخی از مردم نسبت به شنیدن دروغ‌ها و شایعات آزمندی و حرص شدیدی دارند. آنان این گونه عمل می‌کنند تا هر چه شایعات در جامعه وجود دارد بشنود و ردگیری کنند و نسبت به دروغ و دروغ‌گویی واکنش مثبتی نشان می‌دهند و حرص





و از شگفتی نسبت به دروغ از خود نشان می‌دهند.

این افراد همان اندازه که به شایعات و دروغ روی خوش نشان می‌دهند در دیگر رفتارهای اجتماعی و هنجارشکنانه نیز این گونه هستند. به این معنا که حرص و آزمندی ایشان محدود به شایعات و دروغ نمی‌شود بلکه همان اندازه که به این نابه هنجارهای کلامی علاقه و گرایش شدید نشان می‌دهند، نسبت به حرام خواری، رشوه‌گیری، احکام تعریف شده و قوانین دگرگونه شده، واکنش مثبت نشان می‌دهند و گرایش شدیدی نیز به این گونه رفتارهای نابه هنجار اجتماعی دارند.

از نظر خداوند هر گونه گرایش به نابه هنجاری‌های کلامی و رفتاری، گرایشی نادرست و زشت است. بنابراین گرایش و آزمندی نسبت به دروغ و شایعات و حرام خواری و رشوه‌گیری نیز امری ناپسند و زشت است و انسان‌های مومن می‌بایست خود را از این امور دور داشته و به بازسازی اخلاقی و رفتاری خود در این حوزه‌ها بپردازند.

خداوند در آیه ۸۸ سوره حجر چشم دوختن و غبطه خوردن به مال و منال دنیا را امری نکوهیده و ناپسند می‌شمارد و مومنان را از آن باز می‌دارد. آیه ۱۳۱ سوره طه نیز همین معنا را مورد توجه و تاکید قرار می‌دهد.

تاریخ بشریت نشان داده که بسیاری از جنگ‌ها و ستم‌ها به سبب حرص و آزمندی بشر در چنگ آوری بیش‌تر قدرت و ثروت بوده است. از این روست که خداوند کسانی که نسبت به امور حرص و آز دارند سرزنش می‌کند و آنان را سزاوار توبیخ و نکوهش دانسته و وعده عذاب‌ها و درد و رنج‌های بسیار در دنیا و آخرت می‌دهد.





به نظر می‌رسد که برای تبیین بهتر انگیزه‌ها و عوامل ایجاد این حرص و آزمندی شدید در انسان می‌بایست به تحلیل شناختی انسان بر اساس آموزه‌های قرآنی توجه شود. بر این اساس لازم است پیش از هر بحث دیگری به این مساله مهم پرداخته شود.

عوامل و انگیزه‌های آزمندی

بی‌گمان نمی‌توان رفتار و نگرش آدمی را بیرون از دایره و محدوده بینش‌ها تحلیل و تبیین کرد. بر این اساس حتی اگر توصیه‌هایی برای هر رفتار و کرداری می‌بایست انجام پذیرد می‌بایست با توجه به حوزه‌های بینشی و شناختی انجام پذیرد و راهکارها و راه‌های برونرفت از هر معضل و مشکل رفتاری را می‌بایست در تغییر بینش‌ها و نیز نگرش‌ها جست و جو کرد. بر این اساس می‌توان گفت که ریشه و خاستگاه هر رفتار و نگرشی، بینش‌ها و شناخت‌های شخص است.

از این روست که خداوند در آیات ۲ و ۳ سوره همزه به نقش بینش‌ها و شناخت‌ها در ایجاد و تغییر نگرش‌ها و رفتارهای آزمندانه اشخاص توجه می‌دهد. در همین آیات گرایش آزمندانه برخی از انسان‌ها به گردآوری و شمارشگری اموال و ثروت و قدرت خود، به بینش خلود و جاودانگی که مال برای انسان ایجاد می‌کند اشاره دارد. به این معنا که برخی گمان می‌کنند که ثروت و قدرت موجب می‌شود تا شخص به جاودانگی و خلود دست یابد. چنین بینش نادرستی موجب می‌شود تا به گردآوری ثروت و تقویت قدرت خود بپردازد و آزمندانه در جست و جوی دست یابی به جاودانگی خود را به هر آب و آتشی بزند تا قدرت و ثروتی فزون تر داشته باشد.





القای چنین بینش نادرستی از سوی شیطان است که آدم (ع) به جایی بهره مندی از بهشت خود، به کاری نادرست دست زند و موجبات اخراج و هبوط خویش از بهشت را فراهم آورد. خداوند در آیات ۱۲۰ و ۱۲۱ سوره طه تبیین می‌کند که آزمندی و حرص آدم (ع) برای جاودانگی موجب شد تا ابلیس با بهره‌گیری از آن به تغییر بینش و در نتیجه نگرش آدم (ع) اقدام کند و نشان دهد که آن چه موجب جاودانگی وی است، همان درخت ممنوع و میوه آن است. این گونه است که بینش وی را نسبت به امور تغییر می‌دهد و یک جهان‌شناسی جدید برای او تعریف و تبیین می‌کند و در نتیجه تغییر بینش و شناخت وی نسبت به علل و عوامل جاودانگی تغییر یابد و میوه درخت ممنوع را عامل جاودانگی بشناسد. همین تغییر بینش موجب می‌شود تا نگرش وی نسبت به رفتار ضد هنجاری مخالف با امر و فرمان الهی نیز تغییر کند و آماده نافرمانی شود.

این گونه است که ابلیس با تغییر در بینش حضرت آدم (ع) نسبت به جهان‌شناسی و علل و عوامل بقا و جاودانگی، توانست نگرش و رفتار وی را نیز تغییر دهد و او را به سوی نافرمانی از خداوند و هبوط و سقوط سوق دهد. در حقیقت ابلیس با انداختن حضرت آدم (ع) در اشتباه در تطبیق توانست به مقصود خود برسد. به این معنا که حضرت آدم (ع) در جست‌وجوی جاودانگی بود که امری طبیعی برای هر موجودی به ویژه انسان است، ولی ابلیس با دادن نشانی غلط و نادرست وی را به جایی دیگر هدایت کرد که عامل هبوط و نافرمانی وی شد.

بر این اساس، اگر کسی بخواهد رفتارها و نگرش‌های مردم را تغییر دهد می‌بایست به تغییر بینش‌ها و شناخت‌ها نیز توجه و اهتمام داشته باشد.





خداوند در آیات بسیاری به تفکر و بینش یهودیان اشاره دارد؛ زیرا همین بینش نادرست و غلط ایشان است که آنان را به سوی قدرت و ثروت دنیوی به جای آخرت گرایبی می کشاند. یهودیان به زندگی دنیوی بسیار وابسته و دلبسته‌اند. خداوند در آیه ۹۶ سوره بقره به آزمندی آنان به زندگی دنیوی اشاره می کند و در تبیین آن می گوید که ریشه و خاستگاه آن را می بایست در بینش نادرست آنان نسبت به دنیا جست؛ زیرا آنان جاودانگی در دنیا و از طریق قدرت و ثروت می جویند. این گونه است که به دنیای پست و ناچیز گرایش آزمندانهای دارند و حاضر نیستند به هیچ دلیل و برهانی از آن دست بردارند. همین حرص و آزمندی به دنیاست که آنان را به سوی تحریف احکام الهی و بسیاری از نافرمانی‌ها و طغیان‌ها و ستم‌ها می کشد که برخی از آن‌ها در سوره بقره و آل عمران بیان شده است.

آیات ۴۱ و ۴۲ سوره مائده با آوردن واژه اکالون که صیغه مبالغه است نشان می دهد که آنان نسبت به دنیا بسیار آزمند و حریص هستند؛ زیرا تفسیر و تصویری که از جهان مادی و دنیا در نزد خود دارند با آن چه حقیقت آن است بسیار متفاوت است. از این روست که دنیا در نزد ایشان از آخرت از اصالت بیش تر برخوردار می باشد و حتی آرزو دارند که هزار سال عمر داشته باشند و از این دنیا بهره مند گردند.

حرص و رغبت فراوان یهودیان به شنیدن دروغ همراه با آگاهی آنان به دروغ بودن آن نیز ریشه در همین بینش و نگرش نادرست آنان نسبت به دنیا و ارزش‌های آن دارد. (مائده آیات ۴۱ و ۴۲)

گرایشی که یهودیان از خود نسبت به دنیا و چیزهای پست و ناچیز و حقیر آن نشان می دهند از گرایش مشرکان و کافران بیش تر است (التبیان، ج ۱،





ص ۳۵۹) و این گرایش شدید و آزمندانه خود بهترین گواه است که بینش و نگرش آنان نسبت به دنیا خیلی بدتر از بینش و نگرش کافران و مشرکان است و آنان بیراهه‌تر از مشرکان می‌باشند. (همان) از این روست که خداوند در آیاتی چند از جمله ۹۶ سوره بقره آنان را تهدید می‌کند که دست از زندگی آزمندانه نسبت به دنیا و قدرت و ثروت بردارند و به سوی خداوند بازگردند و گرنه دچار خشم و عذاب الهی می‌شوند.

البته آیات ۹۴ تا ۹۶ سوره بقره این نکته را مورد توجه قرار می‌دهد که زمینه ساز اصلی آزمندی و حرص آنان بر زندگی دنیوی و آرزوی عمر طولانی را می‌بایست در یاس و نومیدی یهودیان از وضعیت خوب در آخرت و سرای جاودانه جست؛ زیرا آنان با رفتارهای خویش می‌دانند که به زندگی خوب در آخرت نمی‌توانند دست یابند.

همین بینش و نگرش موجب می‌شود تا یهودیان حریص‌ترین مردمان بر زنده ماندن و برخوردار شدن از عمر طولانی (بقره آیه ۹۶) آزمند به متاع‌های دنیوی و حرام خواری (مائده آیات ۴۱ و ۴۲) و تحریف احکام و آموزه‌های وحیانی شوند (همان) و روش و منش آنان خود بهترین گواه و نمایانگرترین نشانه برای آزمندی و حرص آنان بر زندگی دنیوی (بقره آیه ۹۶) باشد.

از این مطالب می‌توان به این نتیجه گیری کلی رسید که عامل مهم در ایجاد و یا بقای حرص و آزمندی، بینش و نگرش نادرست بشر است که نسبت به دنیا و موقعیت خود و ارزش‌های هستی دارد. هر چه شخص برای دنیا اصالت و ارزش قایل شود به همان اندازه نسبت به آن حریص و آزمند است و هر چه نسبت به آخرت اصالت و ارزش بیش تری قایل باشد به سوی آن گرایش بیش تر یافته و از دنیا و قدرت و ثروت‌های آن دوری می‌کند. البته





در این میان کسانی هستند که به آخرت گرایش دارند ولی موقعیت خود را نسبت به آن در خطر می‌یابند و یا از رحمت و فضل الهی نومید هستند و این گونه است که به دنیا دلبسته می‌شوند با آن که می‌دانند که ارزش چندانی ندارد. ریشه این گرایش به دنیا را در این افراد نیز می‌بایست در همان تحلیل غلط و نادرست از خدا و بینش و نگرش باطل نسبت به عفو و رحمت و مغفرت الهی جست.

در آیات ۹۴ تا ۹۶ سوره بقره این معنا مورد توجه و تاکید قرار گرفته است که نومیدی از رحمت خدا و یا بهره مندی از زندگی طیب و پاک اخروی موجب شده است تا زمینه حرص و آزمندی در برخی از جمله یهودیانی فراهم آید و آنان را به سمت و سویی ببرد که خود آن را باور ندارند ولی برای خشنودی و رضایت مندی نفس آن را انجام می‌دهند تا این گونه خود را نسبت به از دست دادن آخرت، بی‌خیال جلوه دهند و دست کم از دنیا بهره مند گردند. این بینش و نگرش نادرست است که آدمی را به سوی ورطه سقوط می‌برد و نا به هنجاری‌ها و زشتی‌ها را دامن می‌زند. در حقیقت این آخرین تقلای کسی است که در حال غرق شدن در پستی‌ها و زشتی‌های دنیوی است.

در این میان ابلیس و شیاطین دیگر نیز به کمک و یاری وی می‌آیند تا او را به سوی سقوط و دوری از خداوند و آخرت سوق دهند. از این روست که خداوند به آدم (ع) و فرزندانش هشدار می‌دهد تا در دام ابلیس و وسوسه‌های او نیافتند و مانند حضرت آدم (ع) به وعده‌های دورغین ابلیس و شیاطین تطمیع نشوند. (بقره آیات ۳۵ و ۳۶ و اعراف آیات ۲۰ و ۲۲)

البته یکی دیگر از عوامل اصلی ایجاد حرص و آزمندی در بشر را می‌بایست





در روحیه ظلم و ستمگری وی جست. هر چند که خود ظلم و ستمگری نیز ریشه در بینش و نگرش نادرست و غلط این افراد دارد، ولی ستمگری خود زمینه را برای دنیاگرایی بیش از پیش فراهم و تقویت می‌کند. از این روست که به ظلم و ستم به عنوان یک عامل مستقل نیز نگاه می‌شود تا این گونه نقش بسیار مهم ستم‌گری گوشزد شود و آدمی از انجام آن دور شود؛ زیرا خود عاملی برای آزمندی و حرص به دنیا و در نتیجه دوری از خدا و آخرت می‌شود. (بقره آیات ۹۵ و ۹۶)

راه‌هایی از آزمندی

برای آن که انسان از آزمندی و حرص‌رهایی یابد تغییر در بینش و نگرش مهم و اساسی است. از این رو ست که خداوند در آیات ۱۹ تا ۲۶ بر تغییر نگرش و بینش شخص در ارتباط با مفهوم زندگی دنیوی و اخروی تاکید می‌کند و از مردمان می‌خواهد که برای آخرت و سرای دیگر اصالت قایل شوند و دنیا را تنها پل و گذرگاهی به سوی جهان و سرای آخرت بدانند.

بنابراین تغییر بینش‌ها و نگرش‌ها از راه تقویت ایمان و باورهای الهی و اصیل (حشر آیه ۹) می‌تواند اساسی‌ترین و مهم‌ترین راهکار برای مبارزه با آزمندی و حرص بشر قلمداد شود.

از آن جایی که برخی از مردم از خداوند مایوس و از خود نومید می‌شوند، تاکید بر غفران و مغفرت و عفو و توبه‌پذیری خداوند از دیگر راهکارهایی است که آیات پیش گفته به آن اشاره داشته است که از جمله آن‌ها آیات ۹۴ تا ۹۶ سوره بقره بوده است.

توجه به رزق پایدار الهی و این که خداوند سرتاسر خیر و رحمت است

